

## Designing a model for Acceptance of Non-governmental Organizations by the Citizens

### Hamid Shojaei

\*Corresponding author, Ph.D Student of Public Administration - Organizational Behavior Management, Payamenoor University, Tehran, Iran. E-mail: hamidshojaie51@yahoo.com

### Alireza Moghlei

Prof. of Management, Payamenoor University, Tehran, Iran. E-mail: mooghali@yahoo.com

### Mohammad Javad Hozourei

Associate Prof. of Management, Payamenoor University, Tehran, Iran. E-mail: hozoori@yahoo.com

### Reza Rasoulei

Prof. of Management, Payamenoor University, Tehran, Iran. E-mail: karimi@gharb.tpnu.ac.ir

### Abstract

**Objective:** The present study seeks to design a model for Acceptance of Non-Governmental Organizations (NGOs) by the Citizens. This research is fundamental and practical in purpose and is exploratory in nature.

**Methods:** Qualitative method and Grounded Theory strategy were used to help design the study. 20 key experts were selected using judgmental purposive sampling, and then the researchers conducted deep interviews with them. Afterwards, the components were classified using the process of open, axial and selective coding and the final model was configured.

**Results:** The results of the research showed that the “acceptance” of NGO can be affected by many different factors like organizational, sociological, environmental and personal elements. In the proposed model, organizational and social elements are the causal elements; public gain and profitably are the axial categories; the attitudes include positive or negative emotions which are considered as the model Strategy. Eventually, behavioral intent which is the consequence of acceptance or non-acceptance of NGOs were identified. Activity environment and individual morality had significant effects on public attitudes of citizen toward NGOs.

**Conclusion:** The main outcome of this model in the behavioral field is the acceptance of NGOs by the Citizens, based on systematic perspective to the subject and considering organizational, environmental, and individual factors.

**Keywords:** Acceptance, Non-government organization, Citizen, Non-governmental Organizations management, Social welfare.

**Citation:** Shojaei, H., Moghlei, A., Hozourei, M.J., & Rasoulei, R. (2018). Designing a model for Acceptance of Non-Governmental Organizations by the Citizens. *Journal of Public Administration*, 10(2), 269-288. (in Persian)

Journal of Public Administration, 2018, Vol. 10, No.2, pp. 269-288

DOI: 10.22059/jipa.2018.254399.2238

Received: October 13, 2017; Accepted: May 12, 2018

© Faculty of Management, University of Tehran

## طراحی مدل پذیرش سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) از نگاه شهروندان

حمید شجاعی

\* نویسنده مسئول، حمید شجاعی دانشجوی دکتری مدیریت دولتی - رفتار سازمانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hamidshojaie51@yahoo.com

علیرضا موغلی

استاد گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mooghali@yahoo.com

محمد جواد حضوری

دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: hozoori@yahoo.com

رضا رسولی

استاد گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: karimi@gharb.tpnu.ac.ir

### چکیده

**هدف:** در پژوهش حاضر، تلاش شده است که مدلی برای پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد از نگاه شهروندان طراحی شود. این پژوهش از نظر هدف بنیادین - کاربردی به‌شمار می‌رود و از لحاظ ماهیت از دسته پژوهش‌های اکتشافی است.

**روش:** در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی و استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به منظور کشف موضوع، مصاحبه‌های عمیقی با ۲۰ نفر از خبرگان و آگاهان کلیدی به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام گرفت و از این طریق داده‌های پژوهش گردآوری شدند. در ادامه با استفاده از فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، به دسته‌بندی مؤلفه‌ها پرداخته و مدل نهایی پیکربندی شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش مبین آن است که «پذیرش» سازمان‌های مردم‌نهاد نتیجه کنش‌ها و تأثیر عوامل مختلف سازمانی، اجتماعی، محیطی و فردی است. در این مدل عوامل سازمانی و عوامل اجتماعی، شرایط علی محسوب می‌شوند؛ سودمندی و نفع عامه، مقوله محوری هستند؛ نگرش شامل احساسات مثبت و منفی، راهبرد مدل مد نظر قرار می‌گیرد و قصد رفتاری، پیامد پذیرش/عدم پذیرش سازمان شناخته می‌شوند. دو بعد محیط فعالیت و اخلاقیات فردی به عنوان شرایط مداخله‌گر، بر نگرش شهروندان در پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد تأثیرگذار است.

**نتیجه‌گیری:** پیامد اصلی مدل در حوزه رفتاری پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد توسط شهروندان، نگاه سیستمی به موضوع و در نظر گرفتن عوامل سازمانی، محیطی و فردی است.

**کلیدواژه‌ها:** پذیرش، سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد)، شهروندان، مدیریت سازمان‌های مردم‌نهاد، بهبود اجتماعی.

**استناد:** شجاعی، حمید؛ موغلی، علیرضا؛ حضوری، محمد جواد؛ رسولی، رضا (۱۳۹۷). طراحی مدل پذیرش سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) از نگاه شهروندان. فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۰(۲)، ۲۶۹-۲۸۸.

فصلنامه مدیریت دولتی، ۱۳۹۷، دوره ۱۰، شماره ۲، صص. ۲۶۹-۲۸۸

DOI: 10.22059/jipa.2018.254399.2238

دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱، پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۲

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

## مقدمه

طی قرون اخیر، سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری با هدف رفع درد و رنج مردم در سطح جهان کار خود را آغاز کرده‌اند. این سازمان‌ها بر یک یا چند موضوع نظیر رفع فقر، توسعه روستایی، برابری جنسی، باسوادی، خدمات سلامت، توسعه اجتماعی، حقوق بشر، حفظ محیط زیست و... متمرکز شده‌اند. وضعیت جهان و بروز مسائل مختلف برآمده از جهانی شدن و سیاست‌های توسعه‌ای خاص، در حاشیه ماندن برخی گروه‌ها و هویت‌ها، مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی، همراه با کاهش نقش دولت‌ها و ناتوانی آنها در حل مسائل یا بی‌توجهی به این گونه موارد، فعالان جامعه مدنی و تشکل‌های داوطلب را به عنوان نیروی مؤثر به صحنه آورده و پیگیر مطالبات اجتماعی کرده است. چنین سازمان‌هایی در پاسخگویی به بسیاری از مشکلات دنیای مدرن و پیگیری خواسته‌ها و مطالبات اقشار مختلف، کمک به توسعه پایدار و ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت در توسعه، توانایی زیادی دارند و در واقع رکن سوم جامعه را تشکیل می‌دهند (قانع‌ی راد و حسینی، ۱۳۸۳: ۹۸). بسیاری از نظریه‌پردازان (الیوت، ۱۹۸۷؛ فرناندز، ۱۹۸۷؛ گاریلاثو، ۱۹۸۷) معتقدند که بخش داوطلبانه ممکن است در شناخت نیازهای افراد فقیر، تأمین خدمات و توسعه در نواحی دوردست، تشویق به تغییر در نگرش‌ها و انجام فعالیت‌های لازم برای کاهش تبعیض، شناخت و از بین بردن تهدیدهای محیطی، حمایت از توانمندی‌های تولیدی بسیاری از گروه‌ها نظیر ناتوانان و فاقدین زمین، توانمندی و قابلیت بهتری داشته باشند (ویلیتس، ۲۰۰۶). کورتن (۱۹۹۰: ۱۱۹) به نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در قالب «عامل تغییر بیرونی» که از طریق مداخله و مشاوره در شناخت پتانسیل‌های جامعه کمک می‌کند، اشاره کرده است. بر اساس نظر جاتیکس (۱۹۹۲) سازمان‌های غیردولتی در زمینه مشکلات محیطی از دانش بسیار دقیق و عملی برخوردارند که برای موفقیت سازمان‌های دولتی مفید است. این دانش در تعیین راه حل‌ها برای رفع مشکلات جامعه از طریق مراجع دولتی کمک می‌کند. به گفته رابرت بوکلی (۱۹۹۹)، سازمان‌های غیردولتی نسبت به نهادهای بخش عمومی ارتباط نزدیک‌تری با فقرا برقرار می‌کنند. سازمان‌های غیردولتی به عامل کلیدی برای افرادی که در محور توسعه قرار دارند، تبدیل شده‌اند (دهرمراجان، ۲۰۰۱).

سازمان‌های غیردولتی اغلب برای انجام دو نوع فعالیت متفاوت، اما مرتبط به هم، شامل ارائه خدمات به افراد نیازمند و حمایت از خطامشی سازمانی و همچنین پوشش عمومی برای تغییر اجتماعی شناخته می‌شوند. علاوه بر آن، این سازمان‌ها در حوزه وسیعی از سایر نقش‌های تخصصی شامل ایجاد دموکراسی، حل تعارضات، فعالیت حقوق بشری، حفظ فرهنگ، فعالیت محیط زیست، تحلیل خطامشی، تحقیق و ارائه اطلاعات فعالیت می‌کنند. این نوع از سازمان‌ها طی قرون متمادی در شکل‌های متعدد به وجود آمده‌اند و به دلیل ورودشان در توسعه بین‌المللی برجسته شده و در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور چشمگیری افزایش یافته‌اند (لیوایس، ۲۰۰۷: ۳).

کلمه سازمان‌های غیردولتی دربردارنده مجموعه عناوین سرگردان‌کننده‌ای است. در حالی که اصطلاح سازمان‌های

غیردولتی استفاده گسترده‌ای دارد، اصطلاحات مشابهی نظیر سازمان‌های غیر انتفاعی<sup>۱</sup>، داوطلبانه<sup>۲</sup> و جامعه مدنی<sup>۳</sup> نیز با آن برابر تلقی می‌شود. در بسیاری از موارد، استفاده از اصطلاحات متفاوت از مشکلات تشریحی یا تحلیلی نشئت نمی‌گیرد، بلکه دلیل آن نتیجه فرهنگ و تاریخ متفاوت برآمدن این سازمان‌هاست. برای مثال، در آمریکا از کلمه سازمان‌های غیر انتفاعی استفاده می‌شود؛ زیرا در این کشور بازار حاکم است و چنانچه سازمان‌های شهروندی نشان دهند که موجودیت‌های غیر تجاری دارند، به دنبال کسب سود نیستند و برای تأمین کالاهای عمومی فعالیت می‌کنند، از مزیت‌های مالی برخوردار می‌شوند. در انگلستان به دنبال سنت طولانی، به طور عمده از کار اختیاری و داوطلبانه که به وسیله ارزش‌های کلیسا و تصویب قانون خیریه شکل گرفته است، از عنوان «سازمان داوطلبانه» یا «خیریه» استفاده می‌شود. در ایران، بر اساس ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی، سازمان مردم‌نهاد (سمن) «به تشکلهایی اطلاق می‌شود که با همکاری گروهی از اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر حکومتی به صورت داوطلبانه و با رعایت مقررات مربوط تأسیس شده و دارای اهداف غیرانتفاعی و غیر سیاسی است» (وزارت کشور، ۲۰۱۱). این تشکل‌ها با عنوان «مؤسسه‌های غیر تجاری - غیرانتفاعی» به ثبت می‌رسند (ملک زاده، ۱۳۹۶: ۲۵). بر اساس ماده ۳ آیین‌نامه، موضوع فعالیت سازمان‌های غیردولتی مشتمل بر یکی از موارد علمی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، هنری، نیکوکاری و امور خیریه، بشردوستانه، امور زنان، آسیب‌دیدگان اجتماعی، حمایتی، بهداشت و درمان، توانبخشی، محیط زیست، عمران و آبادانی و نظایر آن یا مجموعه‌ای از آنهاست. به طور خلاصه، سازمان‌های غیردولتی آژانس‌ها یا گروه‌هایی هستند که از بدنه دولت مستقل بوده و از طریق برخورداری از اعضای داوطلبانه متمایز می‌شوند؛ زیرا به خاطر سود فعالیت نمی‌کنند (ریدل، ۲۰۰۷).

در ایران، تعداد سازمان‌های غیردولتی از ۲۰۰۰ فقره در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۰۲۵۰ در سال ۱۳۸۴؛ بیش از ۱۷۰۰۰ در سال ۱۳۹۰ (بهرام‌پو، ۲۰۰۷ به نقل از: دماری، حیدرنیا و رهبری بناب، ۱۳۹۳: ۵۴۲) و افزون بر ۲۰۰۰۰ در سال ۱۳۹۵ رسیده که در حوزه‌های مختلف فعالیت می‌کنند (وزارت کشور، معاونت سازمان‌های مردم‌نهاد، ۱۳۹۵). با این حال به نظر می‌رسد آنچه در ایران به نام سازمان غیردولتی شناخته می‌شود با نوع مدرن آن متفاوت است. بر خلاف مشارکت مدرن در قالب سازمان‌های غیردولتی، مشارکت سنتی در قالب تشکل‌های مردمی حول ارزش‌های سنتی و جا افتاده‌ای چون اعتقادات و باورهای مذهبی به همکاری و همیاری، دستگیری از مستمندان و نیازمندان، معلولان و بیماران و جز اینها شکل می‌گیرند (صادقی، ۱۳۸۴). بنابراین تشکل‌های سنتی جا افتاده در ایران که به نام سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند، به رغم گستردگی با انواع مدرن آن تفاوت‌هایی نظیر بی‌کفایتی برای پیشبرد سازوکار دموکراتیک به لحاظ بسته بودن و همچنین برخورداری از سرمایه اجتماعی پایین دارد.

از سویی، در ایران نوع رابطه جامعه و دولت، رابطه جامعه ضعیف در برابر دولت قوی است (بدیع و بیرون بوم، ۱۳۸۷). در چنین رابطه‌ای حوزه دولتی هژمونی و تسلط خود را بر حوزه خصوصی اعمال می‌کند و مانع شکل‌گیری

1. Non-profit organization  
2. Voluntary organization  
3. Civil society

تشکل‌های مستقل و تقویت جامعه مدنی می‌شود. به بیان دیگر، به دلیل شرایط تاریخی و فرهنگی حاکم بر جامعه و وجود رابطه متضاد و شکاف بین دولت و ملت (کاتوزیان، ۱۳۸۰؛ قوام و مالمیر، ۱۳۹۳) و روحیه و شیوه عمل اقتدارگرایانه حکومت و جامعه (سریع‌القلم، ۱۳۸۹)، جامعه مدنی به مفهوم مدرن آن شکل نگرفته و در نتیجه جامعه حالت بسته و درون گروهی<sup>۱</sup> پیدا کرده است. بنابراین هر گونه تشکل برون گروهی<sup>۲</sup> با سوء ظن، بدبینی و بی‌اعتمادی مواجه شده و امکان مخالفت و پذیرفته نشدن آن از سوی جامعه وجود دارد. در ایران، تحقیقات علمی و تجربی اندکی در خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد انجام گرفته، اما در زمینه عوامل مؤثر بر پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد توسط شهروندان، تاکنون هیچ تحقیقی صورت نگرفته است و خلأ تحقیقاتی آن به شدت احساس می‌شود. بر این اساس، در این پژوهش با توجه به زمینه تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور و به منظور اکتشاف و تبیین عوامل مؤثر بر پذیرش سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) از نگاه شهروندان، با بررسی نظر کارشناسان خبره و آگاهان کلیدی، موانع اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، ذهنی و نگرشی شهروندان نسبت به پذیرش نهادهای بیرونی استخراج شده و الگویی برای نحوه کسب، حفظ و ارتقای «پذیرش» سازمان‌های مردم‌نهاد توسط شهروندان طراحی و ارائه می‌شود.

### پیشینه نظری پژوهش

از اوایل دهه ۱۹۸۰، سازمان‌های غیردولتی نسبت به گذشته نقش پررنگ‌تری در توسعه ایفا کرده‌اند. سازمان‌های غیردولتی اول کشف شدند، سپس توسط جامعه اعطا کننده بین‌المللی به مزنده فراهم آورنده راه حل‌های تازه برای کمک به حل مشکلات دیرین، در کانون توجه قرار گرفتند؛ مشکلاتی که نشان‌دهنده دولت ناکارآمد و حمایت دولتی از پروژه‌های توسعه‌ای غیر مؤثر بود. به علاوه، در خلال تلاش‌های بعدی برای آزاد کردن اقتصاد و عقب‌نشینی دولت در قالب بخشی از سیاست‌های تعدیل ساختاری، سازمان‌های غیردولتی جایگزین مؤثر و کم‌هزینه‌ای برای ارائه خدمات به مثابه بخش سوم دیده شدند. پس از جنگ سرد، جامعه اهدا کننده بین‌المللی، خط‌مشی جدیدی را با عنوان «دولت خوب» در دستور کار قرار داد که نتایج توسعه‌ای را برآیندی از روابط متوازن بین دولت، بازار و بخش سوم می‌دید. مطابق این پارادایم، سازمان‌های غیردولتی بخشی از یک جامعه مدنی نوظهور دیده شدند. توجه جدیدی که در این زمان به سازمان‌های غیردولتی معطوف شد، منابع کمکی بسیاری را به همراه داشت، تلاش‌هایی برای ارتقای قابلیت سازمان‌های غیردولتی در افزایش حوزه کاری آنها به عمل آمد و در نهایت به تغییرات عمده‌ای در تفکرات توسعه‌ای متوازن و عملی، شامل نظرهای جدید در خصوص مشارکت، توانمندسازی، جنسیت و میزانی از رویکردهای متمرکز بر مردم برای فعالیت‌های مربوط به کاهش فقر منجر شد (لیوایس، ۲۰۰۷).

در ادبیات مربوط به سازمان‌های غیردولتی، همواره گفته می‌شود که این سازمان‌ها به عنوان بخش سوم، به بازیگران و به ویژه فرودستان و طرد شدگان فرصت می‌دهند تا صدای خود را به گوش حکومت برسانند. به نظر می‌رسد

1. In-group  
2. Out-group

این تفکر بدون در نظر گرفتن زمینه تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی محیط فعالیت، ناقص است و درک روشنی از جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌شود، به دست نمی‌دهد. ایده اینکه سازمان‌های غیردولتی به بازیگران امکان مشارکت داده و به فرودستان و طرد شدگان فرصت می‌دهند تا صدای آنها توسط دولت شنیده شود، مبتنی بر فرض‌هایی است که بر اساس اصول لیبرال دموکراسی آلکسی دو توکویل<sup>۱</sup> و رابرت پاتنام<sup>۲</sup> بنا گذارده شده است که جامعه مدنی در این گفتار به حوزه‌ای از زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود که مستقل است، می‌تواند از خود در برابر دولت محافظت کند و به مجموعه قواعد مشترکی مقید است (صادقی، ۱۳۸۲: ۴۸). در مقابل، در ادبیات جامعه مدنی، به ویژه نزد گرامشی، مفهومی از جامعه مدنی را می‌یابیم که هژمونی بورژوازی از طریق آن اعمال می‌شود و از این رو سازمان‌های غیردولتی نیز به مثابه بخشی از جامعه مدنی، تنها بازتاب‌دهنده منازعات بر سر منافع در سطح کلان‌تر هستند. این تشکلهای اغلب به واسطه رابطه‌ای که با اهداکنندگان پولی و بین‌المللی دارند، در واقع کارگزاران این نهادها تلقی می‌شوند (آن، ۱۹۹۹) از این رو وظیفه آنها حمایت از اقشار فرودست و ضعیف نیست، بلکه کارگزاری برای سرمایه‌داری جهانی است (پتراس، ۱۳۸۳). مطابق این نقد، رابطه دولت و جامعه مدنی رابطه مستقلی نیست. سازمان‌های غیردولتی فرهنگ و اقتصاد سرمایه‌داری را تقویت می‌کنند. برای مثال، در برزیل و شیلی، گذار دموکراتیک عمدتاً به واسطه نقشی که سازمان‌های غیردولتی در تقابل با دولت‌های اقتدارگرا داشته‌اند، امکان‌پذیر شده است؛ اما این تشکلهای پس از گذار دموکراتیک دچار بحران هویت و مشروعیت شده‌اند، زیرا به جای انتقاد از سیاست‌های تعدیل ساختاری که به ضرر فقیران و محرومان جامعه بوده است، به واسطه دریافت کمک‌های مالی از نهادهای پولی و بین‌المللی و نقشی که در روی کارآمدن دولت‌ها داشته‌اند، ناچار از سکوت در مقابل این سیاست‌ها و حمایت از دولت بوده‌اند (صادقی، ۱۳۸۲). از انتقادهای مطرح شده دیگر، نقشی است که سازمان‌های غیردولتی در دور کردن اذهان و توجه نهادهای دولتی به تشکلهای بسیار خصوصی دارند و در اصلاح بخش دولتی نقش کمتری بازی کرده‌اند (تاویدت، ۱۹۹۸). از نظر این منتقدان، سازمان‌های غیردولتی یا از طریق مشارکت در خصوصی‌سازی به صورت برون‌سپاری خدمات عمومی یا پذیرش مسئولیت برای حل و فصل آشفتگی‌های برجای مانده از سیاست نئولیبرالیسم که به طرز نامتناسبی به افراد فقیر آسیب زده است، در تسهیل خط‌مشی نئولیبرالیسم کمک کرده‌اند.

در ادبیات چپ نیز انتقاد دیگری به این سازمان‌ها وارد شده است و بر اساس آن باور بر این است که بسیاری از این تشکلهای عمدتاً توسط نخبگان تحصیل کرده طبقه متوسط پدید می‌آیند که ارتباط اندکی با گروه‌های فرودست و محروم دارند، از این رو باید در نمایندگی کردن آنها از سوی طبقات فرودست تردید کرد (دیاموند، ۱۹۹۴). در ایران نیز این انتقادهای به برخی تشکلهای غیردولتی وارد است؛ زیرا برخی بر این باورند که این سازمان‌ها بیش از آنکه نماینده اقشار فرودست باشند، عمدتاً طبقه متوسط و بالای شهری را نمایندگی می‌کنند که دغدغه‌ها و منافعی با طبقات فرودست و طرد شدگان متفاوت است (صادقی، ۱۳۸۲).

1. Alexis de Tocqueville

2. Robert Putnam

سایر انتقادهای بیان شده، به کمبود پاسخگویی سازمان‌های غیردولتی مربوط می‌شود. برای مثال، وود (۱۹۹۷) به ایجاد «دولت فرانسیز» در بنگلادش که در آن خدمات عمومی کلیدی به طور فزاینده‌ای به سازمان‌های غیردولتی خارجی با پاسخگویی ضعیف به جامعه واگذار شده، اشاره می‌کند. به علاوه، به دلیل جهت‌گیری در تبدیل شدن به خودمنفعتی بازیگران، به سازمان‌های غیردولتی انتقاد شده است، زیرا اعتقاد بر این است که این سازمان‌ها برنامه کاریشان را بر کسب شهرت برای خود متمرکز کرده‌اند. از نظر کالدور (۲۰۰۳)، برخی سازمان‌های غیردولتی گویای نقاط پایانی جنبش‌های اجتماعی «بومی شده»‌ای هستند که نفوذ سیاسی خود را از دست داده‌اند. به علاوه، در موضوع اقدامات انسان‌دوستانه و پاسخگویی، انتقادهای قوی‌ای به این سازمان‌ها وارد شده است، زیرا در برآوردن انتظار همکاری در موقعیت‌های اضطراری، قصور می‌ورزند. همچنین به مسائل دیگری از جمله درک محدود از محیط اطراف (به خصوص بین سازمان‌های غیردولتی محلی)، رویکرد ساده نسبت به دلایل اصلی تعارض و بی‌ثباتی بین جوامع و حکومت‌ها انتقاد شده است (لیوایس، ۲۰۰۷).

با وجود این انتقادات، تجربه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته در بیش از نیم قرن اخیر، ضرورت وجود سازمان‌های مردم‌نهاد را بیش از پیش تقویت کرده است. توسعه اجتماعی برای تأمین نیازهای انسان و بالا بردن سطح زندگی همه گروه‌هاست، این نیازها گسترده و نامحدود است و دولت‌ها به تنهایی قادر به تأمین آن نیستند. از طرف دیگر، مفهوم توسعه از دهه ۱۹۸۰ به بعد، از کارکردهای اقتصادی به توسعه فراگیر و پایدار تغییر جهت داده و مشخص شده است که توسعه پایدار بدون مشارکت فعال جامعه مدنی و مردم ثبات ندارد (توسعه انسان‌مدار) و اهمیت وجود جامعه مدنی به عنوان حلقه مفقود شده در توسعه و محیطی که در آن مشارکت مردمی شکل می‌گیرد، ضروری شناخته شده است. در بطن جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی، مهم‌ترین و بهترین ابزار سازمان‌دهی مشارکت مردمی شناخته شده‌اند و گسترش فرایند جهانی شدن و کاهش قدرت دولت‌ها در برخورد با مسائل جهانی، از جمله محیط زیست، صلح و فقر، زمینه حضور و نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی را فراهم می‌کند. به این ترتیب با خارج شدن دولت به عنوان تنها مکان‌دار توسعه پایدار، جامعه مدنی و سازمان‌های غیردولتی، به منزله بخش سوم توسعه شناخته شده‌اند؛ به طوری که میزان بودجه جذب شده از سازمان بانک جهانی در دهه ۸۰ میلادی از ۲۰ به ۵۲ درصد در دهه ۹۰ رسیده است (پائول، ۱۹۹۶).

### پذیرش

واژه پذیرش در لغت‌نامه دهخدا از مصدر دوم پذیرفتن و به معنای قبول، پذیرفتاری، تعهد، تقبل و فرمانبرداری است و در فرهنگ معین نیز به معنای فرمانبرداری و قبول و به رسمیت شناخته‌شدن نماینده یک دولت نزد دولتی دیگر تعریف شده است (لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ فارسی معین). بر اساس تعریف فست و اونیل (۲۰۱۰: ۵-۶)، منظور از پذیرش «برقراری روابط مؤثر، ایجاد و حفظ رضایت ذی‌نفعان، صاحبان قدرت‌های محلی، متخصصان» و جلب نظر یا همکاری مقامات دولتی و شهروندان به منظور پیشبرد اهداف و برنامه‌هاست. این تعریف به معنای کاهش یا حذف تهدیدهای بالقوه به

منظور آسیب‌ناپذیری سازمان‌های غیردولتی و قبول فعالیت‌های برنامه آنها توسط جامعه است. پذیرش همچون پایه و اساس استراتژی مدیریت عمل می‌کند؛ بنابراین فقط موضوعی برای شناسایی تهدیدهای موجود به منظور حمایت از کارکنان نیست، بلکه اطمینان از دستیابی و میسر ساختن برنامه‌هاست. بر اساس ماهیت پویای زمینه‌ای که در آن آژانس‌های کمک‌رسان فعالیت می‌کنند، پذیرش باید به طور مستمر و در طول زمان تحت نظر قرار گیرد (فست، فریمن، اونیل و رولی، ۲۰۱۳: ۲۲۵).

بر اساس تجربه‌های به‌دست آمده، پذیرش تابع پیوستاری است که از «تحمل» در یک سوی طیف تا «پذیرش کامل» در سوی دیگر امتداد می‌یابد. این پیوستار به شرح زیر است:

- تأیید: ذی‌نفعان به نفع سازمان برای حفاظت از کارکنان، دارایی‌ها یا شهرت آن فعالانه عمل می‌کنند.
  - رضایت: ذی‌نفعان دسترسی امن و مستمر به جمعیت‌های آسیب‌پذیر را فراهم کرده و همچنین ممکن است اطلاعات مربوط به امنیت را در اختیار بگذارند.
  - مدارا: ذی‌نفعان وجود سازمان‌های غیردولتی را در جامعه تحمل می‌کنند، در بخش‌های وسیع‌تر، کالاها و خدماتی که دیگران می‌خواهند و نیاز دارند یا می‌توانند از آن بهره‌مند شوند را فراهم می‌کنند.
  - امتناع: ذی‌نفعان باعث تضعیف برنامه‌های سازمان‌های غیردولتی یا مانع دسترسی به جمعیت‌های آسیب‌پذیر می‌شوند.
  - مقابله مستقیم: ذی‌نفعان فعالانه کارکنان سازمان‌های غیردولتی، برنامه‌ها، دارایی‌ها یا شهرت آنها را تهدید کرده یا آنها را تخریب می‌کنند.
- استفاده غالب از مفهوم «پذیرش»، دیدگاه بالا - پایین را تقویت می‌کند که در آن سیاست‌ها به وسیله صاحبان قدرت طراحی می‌شود، سپس به عموم مردم برای «قبول» القا می‌گردد؛ در صورتی که مردم آن را نپذیرند (یا حمایت نکنند)، فرض می‌شود که با آن مخالفاند (بتل، دوین، رایت و تنجلند، ۲۰۱۳). این کاربرد از مفهوم بین مردم رایج‌تر است، به طوری که در بسیاری از مطالعات بررسی شده، یک سؤال عمومی دو گزینه‌ای برای اندازه‌گیری «پذیرش» یا «پذیرش‌پذیری» مطرح می‌شود و معمولاً دو گزینه پذیرش یا رد در اختیار پاسخگویان قرار می‌گیرد و مجموعه کامل نگرش‌ها در میان آنها نادیده گرفته می‌شود.
- همچنین تفاوت بین «پذیرش» و «پذیرش‌پذیری» به زمان مربوط می‌شود. پذیرش‌پذیری به نگرش قبل از به کارگیری تکنولوژی تسهیلات انرژی یا سیاست ارتباط دارد؛ در حالی که پذیرش نگرش پسینی است (دربر و واکر، ۲۰۱۳). برخی محققان پذیرش‌پذیری و پذیرش اجتماعی را به جای یکدیگر استفاده می‌کنند که حتی بر ابهام می‌افزاید، به طوری که فرض می‌کنند جامعه شامل اجتماع، دربردارنده کلیه عوامل اجتماعی است که باید درگیر موضوع شده و به نظر آنها توجه شود.

در این پژوهش منظور از پذیرش، قبول، تعهد و به رسمیت‌شناختن سازمان‌های غیردولتی (مردم‌نهاد) توسط



شهروندان به نحوی است که نه تنها مانع فعالیت آنها در جامعه نشوند و به اموال و کارکنان آنها آسیب نرسانند، بلکه برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های آنها همکاری مؤثر و لازم انجام دهند. بنابراین تعریف بیان شده دارای دو جنبه سلبی و ایجابی است. جنبه سلبی آن شامل عدم مانع‌تراشی، تخریب یا آسیب‌رساندن به اموال و کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد است و وجه ایجابی آن همکاری و مشارکت مؤثر گروه‌های اجتماعی برای اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌های آنهاست و دیدگاه مشارکتی و دموکراسی شهروندی را از طریق رویکرد فعالانه و همکاری‌گرایانه بین سازمان‌های مردم‌نهاد و شهروندان ترویج می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش «نظریه داده‌بنیاد»<sup>۱</sup> استفاده شده است. خردمایه استفاده از این راهبرد به کاربری آن بازمی‌گردد. راهبرد پژوهشی نظریه داده‌بنیاد، روشی نظام‌مند و کیفی برای خلق نظریه‌ای است که در سطح گسترده، به تبیین فرایند و کنش متقابل موضوعی با هویت مشخص می‌پردازد (کرسول، ۲۰۰۷). نظریه داده‌بنیاد، نظریه درباره نوعی «فرایند» است، یعنی فرایند رویدادها، فعالیت‌ها، کنش‌ها یا

تعامل‌های مدیریتی را که در گذر زمان رخ می‌دهد، تبیین می‌کند. بسیاری از مراحل سنتی پژوهش نظیر طرح‌ریزی، گردآوری داده‌ها، تحلیل و گزارش‌دهی در این راهبرد رعایت می‌شود؛ اما فرایند کاملاً خطی نیست، بلکه کلی‌نگر، طبیعت‌گرایانه و استقرایی است (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۵۹).

داده‌هایی که نظریه‌پرداز داده‌بنیاد برای تشریح فرایندها جمع‌آوری می‌کند، انواع بسیاری از داده‌های کیفی را دربرمی‌گیرد؛ از جمله مشاهده‌ها، گفت و شنودها، مصاحبه‌ها، سندهای دولتی، خاطره‌های پاسخ‌دهنده، و مجله‌ها و تأملات شخصی خود پژوهشگر (کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۵؛ چامرز، ۱۹۹۰). برای نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انواعی از داده‌ها موجود است، اما بیشتر محققان به استخراج اطلاعات از مصاحبه و گروه‌های کانونی روی آورده‌اند (رالف، بریکس و ثانی، ۲۰۱۴). نمونه‌پردازی نظری در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به این معناست که محقق اشکالی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که به متن‌ها و تصورات مفیدی برای تولید یک نظریه دست یابد؛ این بدان معنا که نمونه‌برداری، ارادی<sup>۲</sup> [و نه تصادفی] بوده و بر تولید یک نظریه متمرکز است (فرناندز، ۲۰۰۴: ۸۹؛ کرسول، ۲۰۰۵: ۴۰۵).

از آنجا که هدف از اجرای این پژوهش، شناسایی متغیرها و عوامل مؤثر بر پذیرش سازمان‌های غیردولتی از نگاه شهروندان است، با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه ایران، از جمله بسته بودن فضای فرهنگی و اجتماعی، ترس تاریخی مردم از حاکمیت، بی‌اعتمادی، ناکارآمدی سیستم اداری، تضاد و شکاف بین دولت و ملت، رفتار استبدادی و... مشخص می‌شود که استفاده از ادبیات سایر کشورها که به‌طور عمده برگرفته از موضوعات کشورهای غربی است، نمی‌تواند راه‌حل‌های مناسب و دقیقی را برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی کشور

1. Grounded Theory  
2. Intentional

ارائه دهد. در نتیجه به منظور دستیابی به تبیین مناسب از عوامل مؤثر بر پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد از نگاه شهروندان کشور، به طراحی مدلی بومی نیاز است که ترسیم مناسبی از پیچیدگی‌های محیطی، نهادی، ذهنی و رفتاری جامعه ارائه دهد. بر این اساس، در مرحله اول با استفاده از مشاهده‌ها، گفت و شنودها، مصاحبه‌ها، سندهای دولتی، خاطره‌های پاسخ‌دهنده، مجله‌ها و ... نحوه ارتباط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد بررسی شد و در مرحله بعد با انجام مصاحبه و طرح پرسش‌های باز با گروه‌هایی از افراد مطلع و متخصص در حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد، انبوهی از متغیرها و عوامل مؤثر بر پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد جمع‌آوری شدند؛ سپس با استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد و طی فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی، یافته‌های تحقیق دسته‌بندی شده و نتایج در قالب مدل نهایی به دست آمده و پیکربندی شدند.

## مراحل اجرای پژوهش

### مرحله اول: پرسش‌های پژوهش

در این مرحله پرسش‌های اصلی و فرعی پژوهش مطرح می‌شود:

پرسش اصلی: از دیدگاه شهروندان، عوامل تعیین‌کننده پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد کدام‌اند؟

بر اساس پرسش اصلی پرسش فرعی به این صورت مطرح می‌شود: سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران چگونه می‌توانند پذیرش اجتماعی را کسب کرده، حفظ کنند و ارتقا بخشند؟

### مرحله دوم: جمع‌آوری و دریافت پاسخ

در این پژوهش با توجه به پرسش اصلی که به دنبال شناخت عوامل مؤثر بر پذیرش سازمانی است، محقق علاوه بر استفاده از ادبیات موضوع و مشاهده‌ها، گفت و شنودها، سندهای دولتی، خاطره‌ها، مجله‌ها و تأمل‌های شخصی خود، برای دستیابی به درک عمیق و تبیین مناسب از موضوع، به گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با خبرگان و آگاهان کلیدی اقدام کرد. بر این اساس، ابتدا افراد صاحب‌نظر و مطلع به موضوع پژوهش که قدرت پاسخگویی به سؤال‌ها و موضوعات تحقیق را داشتند، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و قضاوتی گلوله برفی<sup>۱</sup> انتخاب شدند؛ به این ترتیب که ابتدا به صورت انفرادی و رو در رو با خبرگان منتخب مصاحبه عمیق به عمل آمد، در ادامه آنها نیز بر اساس اهداف موضوع و تکمیل مطالب، خبرگان دیگری را معرفی کردند.

با توجه به شیوه گردآوری اطلاعات، چنانچه هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقیده‌ها و نگرش‌های مصاحبه‌شونده باشد و با در نظر گرفتن زمان و منابع در دسترس، ۱۰ تا ۱۵ نمونه برای مصاحبه کافی خواهد بود (کوال، ۱۹۹۶ به نقل از سرلک و نوربائی، ۱۳۹۵). از آنجا که در این پژوهش نمونه منتخب از سه گروه مختلف مدیران و کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد، مدیران و مقامات دولتی مرتبط با حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد و استادان دانشگاه بودند، برای اطمینان بیشتر از کسب اطلاعات و دستیابی به اشباع نظری، ۲۰ نفر برای مصاحبه در مرحله انفرادی به شرح جدول ۱

1. Snowball sampling

انتخاب شدند. پس از انجام مصاحبه مرحله اول و جمع‌بندی نظرها، تم‌ها و موضوع‌های متنوع و مختلفی به دست آمد. به منظور کسب اطمینان و دستیابی به توافق بیشتر، ضمن دعوت از مشارکت‌کنندگان مرحله اول، طی برگزاری جلسه مشترکی با حضور ۱۰ نفر از آنها، بار دیگر نظرها و تم‌های به دست آمده به بحث گذاشته شد و روی تم‌های اصلی توافق گردید. در این مرحله برخی مفاهیم غیرمرتبط حذف شده و برخی از موارد مشابه در یکدیگر ادغام شدند و در مجموع داده‌های کیفی اولیه به مفاهیم کمتری تقلیل یافتند.

جدول ۱. گروه‌های مصاحبه‌شونده و مراحل آن

| عنوان                               | تعداد | مدیران و کارکنان NGOها | مدیران ومقامات دولتی | خبرگان آگاه به امور |
|-------------------------------------|-------|------------------------|----------------------|---------------------|
| مصاحبه با آگاهان کلیدی به صورت فردی | ۸     | ۵                      | ۷                    |                     |
| بحث‌های گروهی                       | ۵     | ۳                      | ۴                    |                     |

### مرحله سوم: کدگذاری داده‌ها

در این پژوهش برای تولید ابزار مناسب به منظور دسته‌بندی داده‌های کیفی حاصل شده و تکوین مدل، روش کدگذاری با استفاده از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد استراوس و کوربین مد نظر قرار گرفته است. استراوس و کوربین در کتاب کشف نظریه داده‌بنیاد سه فن کدگذاری را پیشنهاد دادند: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (لی، ۲۰۰۱: ۴۷). این روش بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی تأکید دارد و همچنین به عرضه پارادایم منطقی یا تصور تجسمی از نظریه در حال تکوین می‌پردازد (بازرگان، ۱۳۹۱).

### کدگذاری باز

یکی از روش‌هایی که برای مفهوم‌سازی داده‌ها و تحلیل اطلاعات به کار می‌رود، کدگذاری باز است. به کمک این روش می‌توان داده‌ها را در مقوله‌های مشخص دسته‌بندی کرد. در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم از عمق داده‌ها به سطح آورده می‌شوند. همچنین تحلیل‌گر به نحوه شکل‌دهی مقوله‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۲۲). کدگذاری باز، فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ لی، ۲۰۰۱: ۴۹). در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، از طریق بخش‌بندی اطلاعات، مقوله‌های اولیه اطلاعات را در خصوص پدیده در حال مطالعه شکل می‌دهد. پژوهشگر مقوله‌ها را بر اساس همه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و رخدادها یا یادداشت‌های خود پایه‌گذاری می‌کند (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۷). در این مرحله از پژوهش، با استفاده از داده‌های به دست آمده از شیوه‌های پیش گفته، از جمله مصاحبه‌های انجام گرفته، ادبیات تحقیق، تأملات شخصی پژوهشگر و... که در مصاحبه‌ها بر آن تأکید بیشتری شد و مورد توافق نسبی قرار

گرفت، با استفاده از روش کدگذاری باز و از طریق جزء به جزء کردن و تفکیک متغیرها، عوامل مؤثر بر «پذیرش سازمانی» دسته‌بندی شدند (جدول ۲).

جدول ۲. مفاهیم و متغیرهای به‌دست آمده از کدگذاری باز

| مفهوم                  | تعریف متغیرها  |
|------------------------|--|
| برآوردن نیاز           | میزان هدف‌گذاری برنامه‌ها و فعالیت‌ها برای رسیدگی و برطرف کردن نیازهای واقعی جامعه   |
| بی‌طرفی و عدم تبعیض    | رعایت بی‌طرفی و جانبداری نکردن از گروه، شخص یا دولت که موجب برانگیختن حساسیت یا تنفر افکار عمومی شود                                 |
| شفافیت و قابل درک بودن | میزان شفافیت و قابل درک بودن اهداف و مأموریت‌های سازمانی برای اعضای جامعه  |
| پوشش گروه‌ها           | میزان گستردگی فعالیت و پوشش گروه‌های مختلف اجتماعی هدف   |
| ارتباط با ذی‌نفعان     | تعیین ذی‌نفعان مستقیم و غیرمستقیم (تحلیل و ارزیابی انگیزه‌ها، روابط و قدرت تأثیرگذاری و نفوذ بازیگران و ذی‌نفعان متعدد بر برنامه‌ها) |
| عضوگیری                | نحوه استخدام و عضوگیری کارکنان از بین گروه‌های اجتماعی جامعه (نژادی، جنسیتی، مذهبی، زبانی و...)                                      |
| واگذاری مناصب          | ملاک و مبنای تخصیص مناصب مدیریتی (اعم از سرپرستی، میانی و عالی)  |
| حقوق و مزایا           | میزان تمایز حقوق و مزایا بین کارکنان محلی / ملی / بین‌المللی   |
| شبکه سازمانی           | شبکه سازی سازمانی و میزان پیوستن سازمان به آن  |
| ارتباط با رسانه‌ها     | نحوه ارتباط و مواجهه سازمان با رسانه‌ها (محلی / ملی / بین‌المللی) اعم از دیداری، شنیداری، مکتوب و مجازی                              |
| موضع‌گیری              | نحوه موضع‌گیری سازمان در برابر رخدادها و وقایع عمومی یا تضییع حقوق شهروندی   |
| تأثیرگذاری نظرها       | میزان اعمال نظر شهروندان در طراحی یا اصلاح برنامه‌ها   |
| کانال‌های ارتباطی      | ایجاد کانال‌های ارتباطی برای کسب نظر مردم و دریافت بازخور  |
| مواجهه با ارزش‌ها      | نحوه برخورد با ارزش‌ها، آداب و رسوم و فرهنگ عمومی  |
| نحوه مذاکره            | نحوه انجام مذاکره با گروه‌های اجتماعی برای تشریح هدف‌ها و برنامه‌ها  |
| استراتژی جذب           | برخورداری از استراتژی مذاکره‌ای برای جذب گروه‌های مختلف (ذی‌نفعان، مخالفان، گروه‌های قدرت و ...)                                     |
| آگاهی                  | میزان آگاهی و شناخت شهروندان نسبت به اصول، ارزش‌ها و مأموریت‌های سازمان  |
| مفید بودن              | میزان باور عمومی نسبت به مفید بودن اهداف، برنامه‌ها و مأموریت‌های سازمان   |
| عملی بودن              | میزان باور عمومی نسبت به عملی بودن برنامه‌ها   |
| تأثیرگذاری             | میزان اعتقاد و باور عمومی نسبت به تأثیرگذاری سازمان‌های غیردولتی در رشد و توسعه جامعه  |
| انسان‌دوستی            | گرایش افراد جامعه به انجام فعالیت‌های انسان‌دوستانه و خیریه  |
| مسئولیت‌پذیری          | میزان مسئولیت‌پذیری افراد جامعه نسبت به امور جامعه   |
| تأثیر هنجاری           | ترغیب و رفتارپذیری بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی  |
| الگوپذیری              | پیروی از الگوهای بیرونی در انجام دادن (انجام ندادن) کاری   |
| ترس تاریخی             | میزان ترس و نگرانی ذهنی شده جامعه از فعالیت یا همکاری با سازمان‌های ناشناخته   |
| تشخیص و رفع نیاز       | میزان اعتماد در تشخیص و رفع نیازهای اجتماعی  |

## ادامه جدول ۲

| تعریف متغیرها  | مفهوم              |
|--|--------------------|
| میزان اعتماد به رعایت مصالح عمومی  | مصلحت عمومی        |
| میزان اعتماد به شایستگی (تعهد و تخصص) سازمان‌های غیردولتی در اتخاذ تصمیمات مناسب و زیان نرساندن به جامعه                     | تصمیم‌گیری مناسب   |
| میزان ترس از به مخاطره افتادن انسجام و وحدت اجتماعی  | انسجام اجتماعی     |
| میزان ترس از به مخاطره افتادن آیین و سنت اجتماعی   | حفظ آیین و سنت‌ها  |
| میزان ترس از به مخاطره افتادن موقعیت اجتماعی و اقتدار سنتی   | حفظ اقتدار سنتی    |
| میزان نگرانی افراد از برچسب خوردن انحرافی توسط جامعه و توبیخ و طرد   | توبیخ اجتماعی      |
| میزان نگرانی جامعه از مخالفت دولت با فعالیت سازمان‌های غیردولتی و خطرهای ناشی از فعالیت/ همکاری با آنها                      | تعقیب حکومتی       |
| میزان ترس از به خطر افتادن آینده شغلی در نتیجه همکاری  | مخاطره شغلی        |
| میزان پاسخگویی سازمان‌های غیردولتی در برابر عملکرد   | پاسخگویی عملکردی   |
| میزان پاسخگویی درباره منبع درآمد و محل‌های هزینه‌کرد درآمدها   | پاسخگویی مالی      |
| میزان تعهد اخلاقی سازمان در حفظ شأن و کرامت انسانی اعضای جامعه   | پاسخگویی اخلاقی    |
| میزان تعهد سازمان در ایجاد بسترهای مناسب برای دسترسی شهروندان به سازمان و بیان نظرها و کاربست آن در نظام تصمیم‌گیری          | پاسخگویی دموکراتیک |
| میزان نگرانی از عامل سلطه دولت/ بیگانه بودن سازمان‌های غیردولتی و از دست رفتن استقلال و آزادی اجتماعی                        | سلطه‌گری           |
| میزان منافع (مزایا) حضور سازمان‌های غیردولتی برای جامعه  | نفع اجتماعی        |
| میزان منافع (مزایا) سازمان‌های غیردولتی برای محیط زیست   | نفع زیست‌محیطی     |
| میزان امنیت جامعه و عدم وجود خطرهای مالی و جانی  | وضعیت امنیتی       |
| فضای فرهنگی مناسب و وجود روحیه همکاری و تعامل  | وضعیت فرهنگی       |
| وضعیت باز/ بسته بودن فضای اجتماعی و امکان انجام فعالیت اجتماعی   | موقعیت اجتماعی     |
| وجود قوانین و مقررات مناسب برای انجام فعالیت   | وضعیت قانونی       |
| وجود شرایط رقابت سیاسی و آزادی فعالیت تشکل‌ها غیردولتی   | وضعیت سیاسی        |
| وجود زیرساخت‌ها و موقعیت‌های مناسب برای فعالیت اقتصادی   | وضعیت اقتصادی      |
| میزان بروز احساسات منفی در نتیجه حضور سازمان‌های غیردولتی در جامعه (نظیر نگرانی، رنج، تنفر و بی‌زاری، خشم، استرس و بی‌قدرتی) | احساسات منفی       |
| میزان بروز احساسات مثبت در نتیجه حضور سازمان‌های غیردولتی در جامعه (نظیر رضایت، افتخار، شادی، امید، آرامش)                   | احساسات مثبت       |
| میزان تأیید سازمان‌های غیردولتی توسط شهروندان  | تأیید              |
| میزان تمایل به همکاری با سازمان‌های غیردولتی   | همکاری             |

### کدگذاری محوری

کدگذاری محوری<sup>۱</sup>، فرایند ربطدهی مقوله به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. این کدگذاری، به این دلیل «محوری» نامیده شده است که کدگذاری حول «محور» یک مقوله تحقق می‌یابد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰؛ لی، ۲۰۰۱: ۴۹). در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد به دست آمده از کدگذاری باز، تدوین شده و سرجای خود قرار می‌گیرد تا دانش فرایندی درباره روابط ایجاد شود (لی، ۲۰۰۱: ۸۴). بر این اساس مفاهیم شناسایی شده در مرحله اول، به مقوله‌های درج شده در جدول ۳ مرتبط شد و در چارچوب کلی تر قرار گرفت.

جدول ۳. مقوله‌های به دست آمده از کدگذاری محوری

| مفاهیم   | مقوله                                |
|--|--------------------------------------|
| برآوردن نیاز، عدم تبعیض، روشن بودن مأموریت، پوشش گروه‌ها                           | برنامه‌ریزی و مأموریت                |
| عضوگیری، واگذاری مناصب، حقوق و مزایا   | منابع انسانی و استخدام               |
| ارتباط با ذی‌نفعان، شبکه سازمانی، ارتباط با رسانه‌ها، کانال‌های ارتباطی، موضع‌گیری | مدیریت ارتباطات و پیام‌های سازمانی   |
| نحوه مذاکره، استراتژی جذب، موضع‌گیری، مواجهه با ارزش‌ها                            | مهارت‌های دیپلماتیک و مذاکره‌ای      |
| پاسخگویی عملکردی، پاسخگویی مالی، پاسخگویی اخلاقی، پاسخگویی دموکراتیک               | پاسخگویی                             |
| آگاهی، مفید بودن، عملی بودن، تأثیرگذاری  | شناخت و باور                         |
| تعقیب حکومتی، توییح اجتماعی، مخاطرات شغلی، سلطه‌گری                                | ریسک‌های ادراک شده                   |
| تشخیص و رفع نیاز، مصلحت عمومی، تصمیم‌گیری مناسب، تأثیرگذاری نظرها                  | اعتماد                               |
| انسجام اجتماعی، حفظ آیین و سنت‌ها، حفظ اقتدار سنتی، ترس تاریخی                     | ذهنیت تاریخی و حساسیت ارزشی و هنجاری |
| وضعیت امنیتی / فرهنگی / اجتماعی / قانونی / سیاسی / اقتصادی                         | محیط فعالیت                          |
| انسان دوستی، مسئولیت‌پذیری، تأثیرپذیری هنجاری، الگوگیری                            | اخلاقیات فردی                        |
| نفع اجتماعی، نفع زیست‌محیطی  | سودمندی و نفع عامه                   |
| احساسات منفی، احساسات مثبت   | نگرش                                 |
| تأیید، همکاری  | قصد رفتاری                           |

### کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی، فرایند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها برای شکل‌گیری نظریه است. در این پژوهش با توجه به هدف آن، پذیرش سازمان‌های غیردولتی مقوله اصلی انتخاب شده است. سایر مقوله‌ها متشکل از عوامل زیر هستند:

1. Axial coding

### شرایط علی

شرایط علی عبارت است از حوادث، وقایع یا رویدادهایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامند. در این پژوهش مقوله‌های زیر که به دو بعد اصلی عوامل سازمانی و عوامل اجتماعی دسته‌بندی شده‌اند، شرایط علی شناسایی شدند:

الف) عوامل سازمانی: مقوله‌های شناسایی شده در بعد عوامل سازمانی عبارت‌اند از: ۱. برنامه‌ریزی و مأموریت؛ ۲. منابع انسانی و استخدام؛ ۳. مدیریت ارتباطات و پیام‌های سازمانی؛ ۴. مهارت‌های دیپلماتیک و مذاکره‌ای و ۵. پاسخگویی.

ب) عوامل اجتماعی: مقوله‌های شناسایی شده در بعد عوامل اجتماعی عبارت‌اند از: ۱. شناخت و باور؛ ۲. ریسک‌های ادراک شده؛ ۳. اعتماد و ۴. ذهنیت تاریخی و حساسیت ارزشی / هنجاری.

### بستر یا محیط فعالیت

بستر و محیط فعالیت بر پذیرش سازمان تأثیر بسیاری دارد. بستر فعالیت شامل عوامل محیط کلان است که راهبردها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین ارزیابی و بررسی محیط کلان و آثار آن بر پذیرش سازمان از الزامات ضروری برای تعیین و شناخت پذیرش است. در این پژوهش در بعد محیط کلان، مقوله‌هایی نظیر محیط سیاسی/ قانونی، محیط اجتماعی/ فرهنگی، محیط اقتصادی و محیط امنیتی شناسایی شد.

### مقوله محوری

مقوله محوری، صورت ذهنی از پدیده‌ای است که اساس فرایند محسوب می‌شود. در این پژوهش مقوله محوری شامل حوزه شناختی و برداشت است که تصویر ذهنی و ادراک شهروندان را از سازمان شکل می‌دهد و شامل سودمندی و نفع ادراک شده می‌شود.

### شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر شرایط زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۸). از زمانی که متغیرهای مستقل شروع به تأثیرگذاری بر متغیر وابسته می‌کنند و تا زمان این تأثیرگذاری، متغیر مداخله‌گر ظاهر می‌شود. بنابراین، نوعی حالت موقت یا بعد زمانی برای متغیر مداخله‌گر وجود دارد. متغیر مداخله‌گر به عنوان تابعی از متغیر(های) مستقل که در هر وضعیتی عمل می‌کنند، آشکار و ظاهر می‌شود و به مفهوم‌سازی و تشریح متغیر(های) مستقل بر متغیر وابسته کمک می‌کند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). در این تحقیق شرایط مداخله‌گر متشکل از باور اخلاقیات فردی و میزان پیروی فرد از ارزش‌ها و هنجارها اجتماعی است.

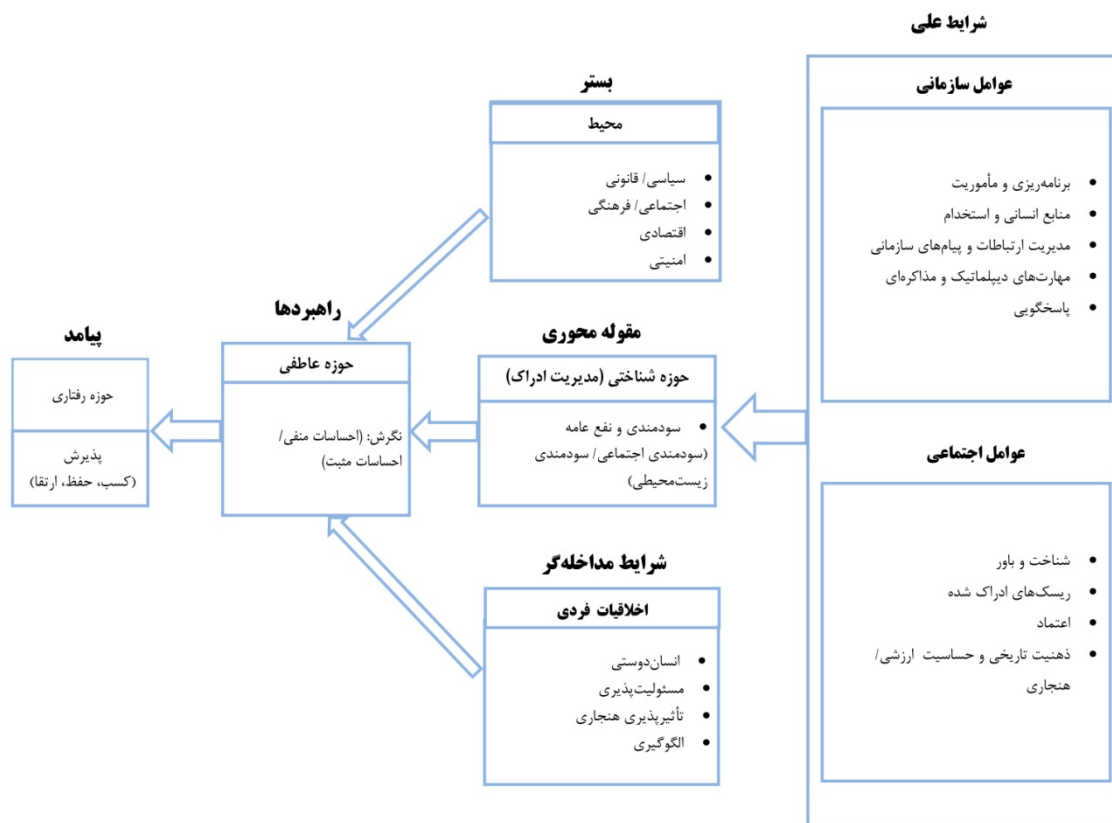
### راهبردها

کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی است که از پدیده محوری منتج می‌شود. در این تحقیق راهبردها شامل حوزه عاطفی می‌شود و به ارزیابی مثبت یا منفی محرک‌های محیطی می‌پردازد. نگرش مجموعه‌ای از اعتقادات، عواطف و نیت رفتاری نسبت به یک شیء، شخص یا واقعه است. به بیانی، تمایل نسبتاً پایدار به شخصی، یا چیزی یا رویدادی است که

در احساس و رفتار نمایان می‌شود (قلی‌پور، ۱۳۸۶: ۱۰۸). در این پژوهش حوزه عاطفی و نگرش‌ها، شامل احساسات و نیات رفتاری مثبت و منفی جامعه نسبت به سازمان‌های غیردولتی می‌شود.

### پیامد

پیامد خروجی‌های به دست آمده از استخدام راهبردها را شکل می‌بخشد. به بیان دیگر، پیامد بخش بیرونی و ظاهری رفتار است که در نتیجه کنش‌ها و برهم‌کنش‌های حاصل از موارد قبلی به دست آمده است. در این تحقیق پیامد شامل «حوزه رفتاری» است که رفتار را شکل می‌دهد. به بیانی، رفتار هر فعالیت و عملی است که موجود زنده انجام می‌دهد و در بردارنده کارهای بدنی آشکار و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی است. این اصطلاح برای هر عمل خاص یا مجموعه اعمال به کار می‌رود (شعاری نژاد ۱۳۶۸: ۵۴). در این پژوهش «پیامد» شامل حوزه رفتاری می‌شود که امکان همکاری، پذیرش یا عدم همکاری و رد سازمان‌های غیردولتی را مشخص می‌کند.



شکل ۱. مدل تبیین کننده پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد بر اساس کدگذاری مرحله محوری

### مرحله چهارم: اعتبار سنجی فرایند پژوهش

در پژوهش کیفی، یافته‌های پژوهش از طریق درگیری فعال شخص بررسی کننده با پدیده مطلوب تولید می‌شود، بنابراین



آنچه تولید شده، کمابیش نشان‌دهنده رویکرد بررسی کننده است. برای مثال، انواع مقوله‌هایی که از تحلیل نظریه مفهوم‌سازی داده‌بنیادی به دست می‌آیند، به نظام فکری و دیدگاه جهانی تحلیل‌گر بستگی دارد. این در حالی است که اعتبار پژوهش بر اساس امکان به دست آوردن نتیجه یکسان در موقعیت‌های متفاوت با پژوهشگران گوناگون توصیف می‌شود (هومن، ۱۳۸۵). علاوه بر این برای اعتبارسنجی این پژوهش از روش‌های زیر استفاده شده است:

۱. تطبیق توسط مشارکت‌کنندگان: پس از آنکه محقق مرحله کدگذاری محوری را جمع‌بندی و نهایی کرد، نتایج را در اختیار تمام اعضا قرار داد و پس از دریافت نظر اعضای مشارکت‌کننده در مراحل مصاحبه، دیدگاه‌های آنها در مرحله کدگذاری محوری اعمال شد.
۲. بهره‌مندی از نظر خبرگان: به منظور یکپارچه‌سازی مدل، یافته‌های کدگذاری محوری در اختیار چهار استاد مدیریت دولتی قرار گرفت که با دریافت نظر آنان، کلیت مدل به تأیید رسید.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخش سوم و واسط بین نهاد دولت و مردم شناخته می‌شوند و نقش مؤثری در فعالیت‌های توسعه‌ای بر عهده دارند. این سازمان‌ها با وجود تنوع و پیچیدگی در ماهیت و کارکرد، حول محور بهبود کیفیت زندگی افراد محروم و حفاظت از محیط زیست شکل گرفته‌اند؛ بنابراین برای دستیابی مؤثر به اهداف و برنامه‌ها، نیازمند «پذیرش» شهروندان است. کسب، حفظ و ارتقای پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد توسط شهروندان نیز به رویکردی آگاهانه، سیستماتیک و هماهنگ بین اجزای درون سازمانی و عوامل و مؤلفه‌های محیط اجتماعی نیاز دارد. بنابراین با ارائه صرف برنامه جذاب از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد، بدون توجه و شناخت عوامل درون سازمانی نظیر عوامل ساختاری و رفتاری و همچنین عوامل و مؤلفه‌های محیط اجتماعی مانند نیازها، ارزش‌ها، باورها و ذهنیت‌های شهروندان و نداشتن ارتباط هماهنگ و منسجم بین آنها، نمی‌توان به توفیق برنامه‌ها و فعالیت‌ها امیدوار بود. نوآوری این پژوهش که از طریق مصاحبه با آگاهان کلیدی و صاحب‌نظران حوزه سازمان‌های مردم‌نهاد، شامل سه گروه مدیران و کارکنان سازمان‌های مردم‌نهاد، مدیران دولتی مرتبط با سازمان‌های مردم‌نهاد و خبرگان دانشگاهی به دست آمد، مدلی را پیشنهاد می‌کند که سازگار با پیشینه و شرایط فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و اداری ایران است و می‌تواند برای ورود و حضور موفق سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه و کسب، حفظ و ارتقای پذیرش آنها توسط شهروندان مؤثر واقع شود. به علاوه، برای کاربست بهتر مدل پیشنهاد شده و اطمینان از کسب پذیرش توسط شهروندان، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱. بر اساس نتایج پژوهش، ادراک سودمندی و مفید بودن سازمان‌های مردم‌نهاد از سوی شهروندان به عنوان مقوله محوری پذیرش شناخته شد، بنابراین برنامه‌ریزی مؤثر و اثربخش مبتنی بر تشخیص و رفع نیازهای اجتماعی بر اساس عدم تبعیض، پوشش گروه‌های نیازمند، واضح و روشن کردن اهداف و مأموریت‌ها؛ توجه به مدیریت ارتباطات و پیام‌های سازمانی نظیر ایجاد رابطه مؤثر با ذی‌نفعان، مردم و گروه‌های اجتماعی، برقراری

رابطه مناسب با رسانه‌ها؛ ایجاد کانال‌های ارتباطی مناسب و در دسترس برای دریافت نظر شهروندان و اخذ بازخور، شبکه‌سازی و ایجاد همکاری متقابل با سایر سازمان‌ها، توجه جدی به مدیریت منابع انسانی در جذب، به کارگیری و ارتقای اعضا بر اساس اهداف و مأموریت‌های سازمان و جذب افراد با انگیزه و باورمند به اهداف؛ به کارگیری مهارت‌های دیپلماتیک هنگام مذاکره با ذی‌نفعان، مخالفان و گروه‌های تأثیرگذار و قدرتمند اجتماعی و همچنین پاسخگو بودن سازمان نسبت به جامعه، می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه‌های سازمانی در جلب همکاری و پذیرش اهداف و برنامه‌های سازمان مؤثر واقع شود.

۲. از سایر عوامل مهم و تأثیرگذار بر پذیرش سازمانی که جنبه اجتماعی و بعد برون سازمانی دارد، میزان شناخت و باور شهروندان نسبت به سازمان‌های مردم‌نهاد است که از طریق آگاهی از مفید بودن، عملی بودن و تأثیرگذاری سازمان‌های مردم‌نهاد به دست می‌آید؛ ریسک‌های ادراک شده شهروندان در همکاری یا دریافت کمک از سازمان‌های مردم‌نهاد که شامل مواردی نظیر ترس از تعقیب حکومتی، توییح اجتماعی، مخاطرات شغلی و... می‌شود؛ اعتماد عمومی نسبت به سازمان که شامل تشخیص و رفع نیازهای عمومی، تصمیم‌گیری مناسب و منطقی با رعایت منافع و مصالح عمومی، ایجاد زمینه مشارکت عمومی و دخالت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها توسط سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود؛ ذهنیت تاریخی و حساسیت‌های ارزشی و هنجاری جامعه که شامل مواردی نظیر ترس از بهم خوردن انسجام و وحدت اجتماعی، از دست رفتن آیین‌ها و سنت‌ها، نگرانی از کاهش نفوذ و اقتدار سنتی از سوی برخی گروه‌ها به وجود می‌آید. بنابراین سازمان‌های مردم‌نهاد برای دستیابی مؤثر به پذیرش شهروندان باید با ایجاد سازوکارهای مؤثر و اطمینان‌بخش، حساسیت‌ها و نگرانی‌های جامعه را شناسایی و رفع کنند.

۳. هر سازمانی در محیط و بستر کلانی فعالیت می‌کند که تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی بر اهداف، استراتژی، برنامه‌ها و فعالیت‌های آن دارد. در این پژوهش بستر فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد که بیشترین تأثیر را بر فعالیت‌های آنها دارد، عبارت است از: محیط سیاسی / قانونی، اجتماعی / فرهنگی، اقتصادی و امنیتی. هرچند سازمان‌های مردم‌نهاد قادر به کنترل کلیه عوامل محیط فعالیت نیستند، باید برای کنترل و مدیریت آن تلاش کنند. بر این اساس چانه‌زنی و لابی‌کردن با مقامات دولتی به منظور تدوین قوانین و مقررات حمایت‌کننده، ایجاد فضای باز برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه، فشار به دولت برای هدایت منابع دولتی به سمت نیازهای ضروری شهروندان به ویژه در نقاط محروم و کمتر توسعه یافته و سرمایه‌گذاری و ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی مفید و مناسب یا جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرمولد و مخرب زیست‌محیطی و فراهم ساختن ثبات و امنیت اجتماعی و اقتصادی و همچنین انجام فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی و ارتقای سطح آگاهی عمومی، می‌تواند تأثیر تعیین‌کننده‌ای در همراهی محیط فعالیت با فعالیت‌ها و اقدامات سازمان‌های مردم‌نهاد و پذیرش آنها توسط شهروندان شود.

۴. از سایر عوامل تعیین‌کننده در پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد که به عنوان شرایط مداخله‌گر شناخته شد و جنبه

فردی دارد، باورهای اخلاقی به عنوان محرک و ترغیب‌کننده درونی افراد و تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به عنوان محرک خارجی است. در صورت همراستایی مؤلفه‌هایی نظیر انسان‌دوستی و مسئولیت‌پذیری فردی و همچنین متابعت شهروندان از هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازگار با اهداف و برنامه‌های سازمان‌های مردم‌نهاد، پذیرش این سازمان‌ها از سوی شهروندان تسهیل می‌شود. به بیانی، باورهای اخلاقی به عنوان محرک درونی و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به عنوان مشوق بیرونی، نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد دارند و در صورت بی‌توجهی به بعد باوری و هنجاری، تلاش‌ها برای اجرای اهداف و برنامه‌ها با موفقیت همراه نخواهد بود.

۵. سودمندی ادراک شده؛ شرایط محیط فعالیت و نظام باورها و اخلاقیات فردی و هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سبب به وجود آمدن تصویر ذهنی و ادراک از سازمان و شکل‌گیری نگرش (مثبت یا منفی) شهروندان نسبت به سازمان‌های مردم‌نهاد می‌شود. تصویر ذهنی و ادراک از یک سازمان از عوامل متعددی نظیر پویایی‌های جهانی و همچنین بر اساس عملکرد و پیامدهای کاربست و اجرای برنامه و فعالیت‌های سازمان در جامعه و آثار و نتایج احتمالی آن شکل می‌گیرد (کارلی و چکام، ۲۰۰۶: ۱۸). بر این اساس، چنانچه شهروندان به درکی برسند که حضور و فعالیت سازمان‌ها را برای جامعه مفید بدانند و محیط فعالیت را مناسب و غیرتهدیدآمیز بپندارند، و همچنین از لحاظ باورهای فردی و ارزش‌های اجتماعی گرایش به همکاری داشته باشند، پذیرش سازمان‌های مردم‌نهاد در بین افراد شکل گرفته و به رفتارهای حمایتی شهروندان منجر خواهد شد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود سازمان‌های مردم‌نهاد هنگام ارزیابی برای ورود به جامعه و همچنین برای تثبیت و ارتقای موقعیت خود، نگرش و احساسات مثبت و منفی شهروندان را بررسی کرده و با آگاهی مناسب به ورود و فعالیت در جامعه اقدام کنند.

با توجه به اینکه جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان بخش سوم و حائل بین دولت و مردم شناخته می‌شوند و ظرفیت بسیار بالایی برای حل مشکلات اساسی مردم دارند، به پژوهشگران آینده توصیه می‌شود تحقیقات خود را بر موانع دولتی و همچنین عوامل ساختاری و رفتاری سازمان‌های مردم‌نهاد به منظور کسب، حفظ و ارتقای پذیرش متمرکز کنند تا با شناخت علمی موانع و مشکلات آنها، امکان چاره‌جویی بهتر فراهم شود.

## منابع

- آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد (۲۰۱۱). معاونت سازمان‌های مردم‌نهاد، پورتال وزارت کشور  
بازرگان، عباس (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. (چاپ سوم)، تهران: نشر دیدار.  
بدیع، برتون و بیرون بوم، پی‌یر (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی دولت، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.  
پتراس، جیمز (۱۳۸۳). NGOها در خدمت امپریالیسم. ترجمه علیرضا ثقفی، نقد نو، شماره ۲، ۱۴-۲۱.

- دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی (۱۳۸۶). استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد. *اندیشه مدیریت*، (۲)۱، ۶۹-۹۷.
- دماری، بهزاد؛ حیدرنیا، محمدعلی؛ رهبری بناب، مریم (۱۳۹۳). نقش و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در حفظ و ارتقای سلامت جامعه. *فصلنامه پایش*، ۱۳ (۵)، ۵۴۱-۵۵۰.
- سرلک، محمدعلی و نوریائی، محمدحسین (۱۳۹۵). شناسایی عوامل مؤثر بر جریان‌های شکافنده سازمان‌های دولتی با استفاده از استراتژی نظریه پردازی داده‌بنیاد. *فصلنامه مدیریت دولتی*، ۸ (۴)، ۵۵۳-۵۷۰.
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹). *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار*، تهران: نشر فرزاد.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۵). *فلسفه آموزش و پرورش*. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- صادقی فاطمه (۱۳۸۵). سیاست‌زدایی از جامعه مدنی: تجربه سازمان‌های غیردولتی در دوره اصلاحات، *گفت‌وگو*، شماره ۴۷.
- قانع‌ی راد، محمدمبین و حسینی، فاطمه (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۶ (۲)، ۹۷-۱۲۳.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۶). *رفتار سازمانی (رفتار فردی)*. تهران: انتشارات سمت.
- قوام، عبدالعلی و مالمیر، مهدی (۱۳۹۳). ارائه یک مدل تحلیلی برای بررسی شکاف دولت - ملت (الگویابی روابط بین دولت و جامعه). *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۰ (۱)، ۱۵۷-۱۹۷.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۰). *تضاد دولت و ملت (نظریه تاریخ و سیاست در ایران)*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- ملک‌زاده، رضا (۱۳۹۶). *گزارش خبری، سلام کشور (خبرنامه داخلی وزارت کشور)*. شماره ۱۳.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵). *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: انتشارات سمت.

## References

- Batel, S., Devine – Wright, P., & Tangeland, T. (2013). Social Acceptance of low Carbon Energy and Associated infrastructures: A critical Discussion. *Energy Policy* 58, 1-5.
- Carle, A., & Chkam, H. (2006). *Humanitarian Action in the New Security Environment: Policy and Operational Implications in Iraq*. HPG Background Paper. September. Humanitarian Policy Group, Overseas Development Institute, London.
- Charmaz, C. (1990). Discovering Chronic Illness: Using Grounded Theory. *Social Science & Medicine*, 30(11), 1161-1172.
- Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd edition).
- Diamond, L. (1994). Rethinking civil society. *Journal of Democracy*, 5, 94-114.
- Dreyer, S.J., & Walker, L. (2013). Acceptance and Support of the Australian Carbon Policy. *Social Justice Research*, 26 (3), 343 -362.
- Fast, L., & O'Neill, M. (2010). A closer look at acceptance. *Humanitarian Exchange Magazine*, 47, 3-6.

- Fast, L., Freeman, F., O'Neill, M., & Rowley, E. (2013). In acceptance we trust? Conceptualising acceptance as a viable approach to NGO security management. *Social Justice Research*, 37(2), 222-243.
- Fast, L., Freeman, F., O'Neill, M., & Rowley, E. (2013). The promise of acceptance as an NGO, security management approach. *Disasters*, 39(2), 208-231.
- Fernández, W. D. (2004). Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices. *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2(2), 83-94.
- Hudock, A. (1999). *NGOs and Civil Society: Democracy by proxy?* Cambridge: Polity press. ISBN: 978-0-745-61649-0.
- Kaldor, M. (2003). *Global civil society: An answer to war*. Cambridge: Polity.
- Korten, D. (1990). *Getting to the 21st century: Voluntary action and the Au5 global agenda*. West Hartford, CT: Kumarian.
- Lee, J. (2001). *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*. Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebraska, In Proquest UMI Database.
- Lewis, D. (2007). *The management of non-governmental development organizations (2nd ed.)*. London: Routledge.
- Paul, J. A. (1996). World Bank and Non-Governmental Organizations. *Cornell International Law Journal*, 25(3).
- Ralph, N., Birks, M., Chapman, Y.E. (2014). *Contextual Positioning: Using Documents as Extant Data in Grounded Theory Research*. SAGE.
- Riddell, R. (2007). *Does foreign aid really work?* Oxford: Oxford University Press.
- Shivani, D. (2001). *NGOs As Prime Movers, Sectoral Action for Social Development*. Kanishka Publishers and Distributors, New Delhi.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Newbury Park, CA, Sage publications, Inc.
- Tvedt, T. (1998). *Angels of mercy or development diplomats?* NGOs and foreign aid. Oxford: James Currey.
- Willets, P. (2006). *What is a Non-Governmental Organization?* UNESCO Encyclopaedia of Life Support Systems Section 1 Institutional and Infrastructure Resource Issues article 1.44.3.7 Non-Governmental Organizations.
- Wood, G. D. (1997). *States without citizens: The problem of the franchise state*, In D. Hulme & M. Edwards (Eds.), *Chap. 5 Too close for comfort? NGOs, states and donors*. London: Macmillan.